

تذكرة الواصلين في شرح نهج
المسترشدين: سيد نظام الدين
عبد الحميد بن مجد الدين أعرجي
حسيني؛ تحقيق طاهر السلامي؛
كربلا: المركز الإسلامي للدراسات
الاستراتيجية، ١٤٣٦.

نگرشی

بر نگارش های کلامی (۲)

معرفی انتقادی ویراست تذكرة الواصلين في شرح نهج المسترشدين

حمید عطائی نظری

استادیار گروه فلسفه و کلام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

در قسمت نخست از مجموعه مقالات «نگرشی بر نگارش های کلامی»، به معرفی رساله کلامی پیراج نهج المسترشدين في اصول الدين علامه حلی (م ۷۲۶ هـ ق) پرداختیم و شروح گوناگون آن را به اجمال بازشناسانیم. در این بخش به معرفی مبسوط تر شرحی ارزشمند و نوانتشار بر نهج المسترشدين علامه حلی با عنوان «تذكرة الواصلين في شرح نهج المسترشدين» نوشته سيد نظام الدين عبد الحميد بن مجد الدين أعرجي حَسِينِي می پردازیم. این کتاب با تحقیق جناب آقای طاهر السلامي از سوی مرکز اسلامی للدراسات الاستراتيجية وابسته به عتبة مقدسه عباسية كربلا در سال ۱۴۳۶ هجری قمری در شمارگان هزار نسخه منتشر شده است. در کارنامه آقای طاهر السلامي به جز اثر یادشده، تصحیح آثاری همچون الانصاف في الانتصاف لاهل الحق من اهل الاسراف (ردیة معروف یکی از عالمان امامی قرن هشتم بر منهاج السنّة ابن تیمیّه)،^۱ شوارق النصوص علامه میرحامد حسین،^۲ معراج اليقين في شرح نهج المسترشدين في اصول الدين فخر المحققين حلی و مسند الإمام علي عليه السلام اثر مرحوم آية الله سيد حسن قبانجي نیز دیده می شود.

در این مقال نخست نکاتی را در باب تذكرة الواصلين و نویسنده آن و همچنین دست نوشت های بازمانده از آن بیان می کنیم. پس از آن به ارزیابی و نقد ویراست ارائه شده از این اثر می پردازیم.

۱. عبد الحميد بن أعرجي حَسِينِي و تذكرة الواصلين في شرح نهج المسترشدين

تذكرة الواصلين شرحی است کامل به سبک «قال أقول» بر رساله کلامی نهج المسترشدين في اصول الدين علامه حلی. در صفحه عنوان نسخه ای که ظاهراً به خط نویسنده است نوشته شده: «کتاب تذكرة الواصلين في شرح نهج المسترشدين تأليف العبد الفقير إلى الله تعالى عبد الحميد بن محمد بن الأعرج الحسيني عفا الله عنه و عن والديه و عن المؤمنين» که به وضوح حکایتگر انتساب اثر به نویسنده و نیز نامی که او برای اثر خود برگزیده است می باشد. در همین صفحه عنوان اظهار شده که مؤلف، این شرح را برای

چکیده:

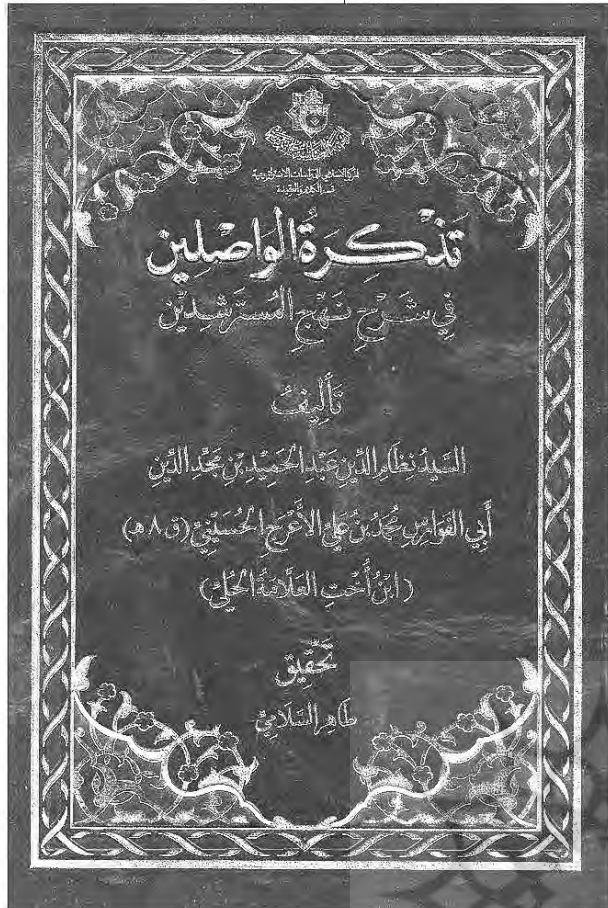
نویسنده در نوشتار حاضر به معرفی و نقد تصحیحی از کتاب تذكرة الواصلين في شرح نهج المسترشدين نوشته عبد الحميد بن اعرجي حَسِينِي که شرحی بر رساله کلامی نهج المسترشدين علامه حلی است، می پردازد. کتاب مذکور با تحقیق طاهر السلامي از سوی مرکز اسلامی للدراسات الاستراتيجية در سال ۱۴۳۶ هـ ق. به زیور طبع آراسته شده است. نویسنده نوشتار در راستای هدف مذکور، نخست نکاتی پیرامون کتاب تذكرة الواصلين و نویسنده آن و همچنین دست نوشته های بازمانده از آن بیان می کند. پس از آن به ارزیابی و نقد ویراست ارائه شده از این اثر می پردازد. وی با ارائه شاهد مثال هایی از متن تصحیح کتاب، کاستی های آن را بر می شمرد.

کلیدواژه:

نهج المسترشدين في اصول الدين، علامه حلی، تذكرة الواصلين في شرح نهج المسترشدين، عبد الحميد بن اعرجي حَسِينِي، طاهر السلامي، کلام، نقد کتاب.

۱. الإصناف في الانتصاف لاهل الحق من اهل الاسراف، ۳ ج، تحقيق طاهر السلامي، مؤسسة دار الأعلام لمدارسه اهل البيت عليهم السلام، دار النشر الإمام علي بن ابي طالب (ع)، قم، ۱۳۹۲ هـ ش.

۲. شوارق النصوص، ۲ ج، تأليف ميرحامد حسين الموسوي، تحقيق طاهر السلامي، دليل ما، قم، ۱۳۸۱ هـ ش.



«فخر الملة والدين عبدالله ابوطالب الخواری»^۳ نگاشته است.

نویسنده یعنی سیدنظام‌الدین عبدالحمید بن محمد (مجدالدین) أعرجی حسینی، خواهرزاده علامه حلّی و از شاگردان او بوده است. چنان‌که می‌دانیم علامه حلّی چند خواهرزاده داشته که از میان آنها سه تن معروف تر بوده و هر سه هم نزد خود او دانش آموخته‌اند:

۱. سید عمیدالدین عبدالمطلب بن محمد (مجدالدین) عمیدی أعرجی حسینی عبیدلی (و شعبان ۶۸۱ م. ۷۵۴ ه. ق.)، معروف به «عمیدالدین بن أعرج». او نویسنده تبصرة الطالبین فی شرح نهج المسترشدين و همچنین احتمالاً مؤلف شرحی است بر انوار الملکوت فی شرح الیاقوت علامه حلّی که زیر عنوان ظاهراً مجعول إشراف اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت^۴ منتشر شده است.^۵

۲. سید ضیاءالدین عبدالله بن محمد بن أعرجی حسینی حلّی (زنده در ۷۴۰ ه. ق.) معروف به «ضیاءالدین بن أعرج»، برادر کوچک‌تر سید عمیدالدین عبدالمطلب. سید ضیاءالدین صاحب آثاری است همچون: منیة اللیب فی شرح التهذیب^۶ در شرح تهذیب الوصول إلى علم الاصول علامه حلّی و التحفة الشمسیة فی المباحث الکلامیة.^۷

۳. سیدنظام‌الدین عبدالحمید بن محمد (مجدالدین) أعرجی حسینی

(ولادت ۶۸۳ ه. ق) که نویسنده کتاب مورد گفت‌وگوی ما، یعنی تذکرة الواصلين فی شرح نهج المسترشدين و همچنین نویسنده شرحی است بر تسلیک النفس علامه حلّی با عنوان ایضاح اللبس فی شرح تسلیک النفس و از شهرت کمتری نسبت به دو برادر دیگر، یعنی عمیدالدین و ضیاءالدین برخوردار بوده است.

میرزا عبدالله اصفهانی در الفوائد الطریفة آورده که سید عمیدالدین اعرج کتاب تسلیک النفس علامه را شرح کرده که وی البته آن را ندیده است.^۸ این سخن درست نیست؛ چون صاحب شرح بر تسلیک النفس، چنان‌که گفتیم، سیدنظام‌الدین عبدالحمید است، نه سید عمیدالدین، مگر آنکه به غیر از ایضاح اللبس اثر سیدنظام‌الدین، سید عمیدالدین نیز شرحی علی جده بر تسلیک النفس نوشته بوده باشد که عجلتاً از آن بی‌خبر باشیم.

این سه برادر، دو برادر دیگر به نام‌های سید جلال‌الدین علی و سید غیاث‌الدین عبدالکریم نیز داشته‌اند که

۳. در فهرست فنخا از این شخص با عنوان «نصیر الملة و الحق والدین والدین ابوعلی بن فخرالدین عبدالله ابوطالب جزائری» نام برده شده که غلط است. نگرید: فنخا ج ۷، ص ۹۵۷.

۴. درباره نام این کتاب (که در یک نسخه کهن آن زیر نام «نهج العمیدی علی انوار الملکوت» شناسانده شده) و نویسنده آن (که گاه ضیاءالدین عبدالله، برادر عمیدالدین دانسته شده است) نگرید به یادداشت آقای دکتر حسن انصاری با عنوان: «رکنی (۲): کتابی که نامش اشراق اللاهوت نیست»، در سایت کاتبان به نشانی:

۵. الحسینی العبیدلی، السید عمیدالدین؛ اشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت، تحقیق: علی اکبر ضیائی؛ تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۱ ه. ش. درباره او نگرید به: معجم طبقات المتکلمین، ج ۳، ص ۱۲۵.

۶. الأعرج الحسینی الحلّی، ضیاءالدین؛ منیة اللیب فی شرح التهذیب؛ ج ۲، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع)، ۱۴۳۱ هجری قمری. ۷. نسخه‌ای از این اثر کتابت شده در قرن نهم هجری در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره ۶۰/۱ موجود است. نگرید: دنا، ج ۲، ص ۹۶۸؛ فنخا ج ۷، ص ۵۱۱.

۸. درباره او نگرید به: معجم طبقات المتکلمین، ج ۳، ص ۱۲۱. ۹. اصفهانی، میرزا عبدالله؛ الفوائد الطریفة؛ تحقیق: سیده مهدی رجائی؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۵ ه. ش، ص ۵۱۰.

قابل فهم است. افزون بر این در جایی از متن کتاب، سید نظام‌الدین به حضور خویش در مجلس درس علامه اشاره کرده است.^{۱۵}

بنابراین تذکرة الواصلین هم از این حیث که به احتمال زیاد نخستین شرح نگاشته شده بر نهج المسترشدين است و هم از این جهت که نویسنده‌اش شاگرد و ملازم نویسنده بوده و مباحث مطرح در متن را از محضر خود ماتن آموخته است حائز توجه و اهمیت است؛ گویا اینکه ریخته خامه نویسنده‌ای است در سنین جوانی که ای بسا پختگی لازم را در آن سالیان پیدا نکرده بوده باشد.

از حیث حجم و بسط و تفصیل مطالب، تذکرة الواصلین که در چاپ کنونی حجمی بالغ بر چهارصد صفحه دارد. شرحی است نسبتاً موجز و هم طراز با برخی از شروح دیگر موجود نهج المسترشدين همچون تبصرة الطالبین عمیدالدین بن أعرج و معراج الیقین فخرالمحققین والبتة از ارشاد الطالبین فاضل مقدم مختصرتر است. نویسنده در مقدمه کتاب آورده که در این شرح راه غایت اختصار و ایجاز را در پیش می‌گیرد و بسط و تفصیل مطالب را به کتاب دیگرش به نام «ایضاح اللبس فی شرح تسلیک النفس» موکول می‌کند.^{۱۶}

از حیث مضمون و درون‌مایه، تذکرة الواصلین سید نظام‌الدین مشابهت بسیاری به شرح برادرش عمیدالدین بن أعرج بر نهج المسترشدين به نام تبصرة الطالبین دارد. در کثیری از مواضع، این دو شرح اشتراکات بسیار دارند. اگر تاریخ دقیق تألیف تبصرة الطالبین دانسته بود، آن‌گاه حدس اینکه نوشته کدام یک از آن دو، بر دیگری تأثیرگذار بوده است میسر می‌گشت، اما اکنون تنها همین قدر می‌دانیم که تذکرة الواصلین در سال ۷۰۳ هجری قمری نوشته شده و تبصرة الطالبین پیش از وفات علامه حلی، یعنی قبل از ۷۲۶ هجری قمری.

۲. نسخه‌های بازمانده از دو تحریر تذکرة الواصلین

بر اساس اطلاعات فعلی، از کتاب تذکرة الواصلین شش نسخه در دسترس است:^{۱۷}

۱. نسخه شماره ۵۵۵۶ کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی قم این دست‌نویست از آخر افتادگی دارد و لذا فاقد انجامه و نام کاتب و تاریخ کتابت است، اما بنابر قرآنی، ظاهراً و به ظن قریب به یقین، به دست خود نویسنده کتاب در سال ۷۰۳ هجری قمری کتابت شده و در واقع نسخه اولیه اثر به شمار می‌آید.^{۱۸} همان‌طور که آقای طاهر السلامی

گویا در عرصه دانشوری نام بلندی نداشته‌اند.^{۱۹} پدر ایشان مجدالدین ابوالفوارس محمد بن علی (فخرالدین) بن محمد الأعرج الحسینی العبدلی، معروف به «ابن أعرج» خود از دانشمندان شیعی حله به شمار می‌رفته است.^{۲۰}

تذکرة الواصلین تا آنجا که می‌دانم تنها اثر کلامی بازمانده شناخته شده از سید نظام‌الدین عبدالحمید است و از این رو این کتاب اکنون یگانه منبع ما برای شناخت دیدگاه‌های کلامی اوست. وجه اهمیت دیگر این اثر آن است که ظاهراً نخستین شرح نگاشته شده بر نهج المسترشدين علامه حلی (تألیف شده به سال ۶۹۹ ه. ق) است. چنان‌که در انجامه نسخ تذکرة الواصلین آمده است، نویسنده این شرح را در سال ۷۰۳ هجری قمری، یعنی در زمانی که نوزده سال بیش نداشته است به انجام رسانیده است. در پایان نسخه شماره ۹۰۲۱ مجلس شورای اسلامی تذکرة الواصلین مکتوب است:

فرغت من تسویده و قد بلغت تسعة عشر من السنین و دخلت فی سنة العشرین و هوشهر جمادی الآخر [کذا] سنة ثلاث و سبعمائة فرغ من تعلیقه الفقیر الی رحمة الله تع عبدالحمید بن محمد بن الأعرج الحسینی مصنف الكتاب.^{۲۱}

همچنین بر اساس نسخه شماره ۱۱۳۱۰ کتابخانه آستان قدس رضوی از همین کتاب، نویسنده در عبارات پایانی کتاب آورده است:

فرغت من تسویده و قد بلغت تسعة عشر من السنین و دخلت فی سنة العشرین و هوشهر جماد الآخر [کذا] سنة ثلاث و سبعمائة بعد الاشتغال فی خدمة شیخنا و سیدنا مصنف الكتاب، الذی أنعم الله علی بالانتساب الی خدمته و المثل فی أكثر الأوقات فی حضرته و الحمد لله بما أقسم وله الشکر علی ما أنعم إله و لی ذلک.^{۲۲}

از عبارات «بعد الاشتغال فی خدمة شیخنا و سیدنا مصنف الكتاب، الذی أنعم الله علی بالانتساب الی خدمته و المثل فی أكثر الأوقات فی حضرته» تلمذ و شاگردی پیوسته وی نزد دایی‌اش، علامه حلی

۱۱. ابن عیبه درباره فرزندان سید مجدالدین ابوالفوارس و خواهر علامه حلی نوشته است: «... والخمسة الآخر أهم بنت الشيخ سیدالدین یوسف بن علی بن المطهر وهم النقیب جلال‌الدین علی و مولانا السید العلامة عمیدالدین عبدالمطلب قدوة السادات بالعراق، و الفاضل العلامة ضیاء الدین عبد الله، و الفاضل العلامة نظام الدین عبدالحمید، و السید غیبات الدین عبد الکریم». از نوح یادکرد ابن عیبه که برای عمیدالدین و ضیاء الدین و نظام‌الدین القابی همچون «السید العلامة» و «الفاضل العلامة» آورده ولی برای غیبات الدین و جلال‌الدین چنان القابی را ذکر نکرده برمی‌آید که این دو در زمره عالمان معروف این خاندان به حساب نمی‌آمده‌اند. نگریه: ابن عیبه، جمال‌الدین: غمده الطالب فی أنساب آل ابی طالب؛ تصحیح: محمد حسن آل الطائفانی؛ النجف الأشرف، منشورات المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۰ هجری قمری، ص ۳۳۳.

۱۲. درباره او نگریه به: معجم طبقات المستکملین، ج ۳، ص ۱۴۵.

۱۳. تذکرة الواصلین، نسخه شماره ۹۰۲۱ مجلس شورای اسلامی، برگ ۸۸ ب.

۱۴. تذکرة الواصلین، نسخه شماره ۱۱۳۱۰ آستان قدس رضوی، برگ ۱۵۸ ب.

۱۵. «ورأيت المصنف يستضعف هذا القول في أثناء الدرس». تذکرة الواصلین فی شرح نهج المسترشدين، ص ۳۷۱.

۱۶. تذکرة الواصلین فی شرح نهج المسترشدين، ص ۳۵.

۱۷. نگریه: فنخا، ج ۷، ص ۹۵۷-۹۵۸.

۱۸. برای آگاهی از ادله‌ای که نشان می‌دهد این نسخه به دست نویسنده اثر کتابت شده نگریه به مقدمه محقق بر کتاب، ص ۱۶-۱۹.

و جودئ» مکتوب می‌شد.

۸. «لم يحصل لنا علماً بوجوده»^{۲۷} که چون واژه «علم» فاعل فعل «يحصّل» است باید مرفوع، یعنی «علم» نوشته می‌شد.

۹. «هل يشترط في إفادة التواتر عدداً مخصوصاً أم لا؟»^{۲۸} که ترکیب «عدداً مخصوصاً» نائب فاعل «يُشترَط» است و باید مرفوع باشد، یعنی «عددٌ مخصوصٌ».

همچنین در یکجا نویسنده به عقیده قدیم بودن اجسام سماوی از سوی برخی حکما همچون «ارسطو و ارسطاطاليس و فارابی و ابن سینا» اشاره کرده است،^{۲۹} در حالی که می‌دانیم «ارسطو» و «ارسطاطاليس» دو ریخت از نام یک نفر است و نباید نویسنده آن دو را به یکدیگر معطوف می‌ساخت. مصحح محترم البته تا آنجا که برسیدم. غالب اغلاط زبانی موجود در نسخه اصل را گزارش نکرده و خود متن را به دلخواه خویش ویراسته و تنها به درج ضبط صحیح در متن اکتفا نموده است. این در حالی است که ثبت و گزارش این اغلاط. خاصه در موردی که نسخه به خط مؤلف یا کاتبی نامدار باشد. نشان دهنده میزان دانش ادبی و دقت زبانی نویسنده یا کاتب است و به طور طبیعی عدم ثبت و ضبط این گونه موارد امکان وقوف بر احوال و فواید یادشده را از خوانندگان سلب می‌کند.

۲. نسخه شماره ۲/۹۰۲۱ مجلس شورای اسلامی

بنا بر تریقیمت کتاب، این نسخه در سال ۸۵۰ هجری قمری کتابت شده است؛ «وقع الفراغ من تعليقه بعون الله و حسن توفيقه يوم الخميس من شهر ربيع الأول سنة خمسین وثمانمائة»^{۳۰}

متأسفانه مصحح در ویراست خود از این نسخه استفاده نکرده است.

۳. نسخه شماره ۴/۱۱۳۱۰ آستان قدس رضوی که در سال ۹۰۹ هجری قمری کتابت آن پایان یافته و نسخه‌ای کم و بیش مغلوط است.

۴. نسخه شماره ۳/۴۰۰۰ مرکز احیاء تراث اسلامی قم که استنساخ آن به قرن دهم هجری بازمی‌گردد.

۵. نسخه شماره ۱۸ کتابخانه فاضل خوانساری که در سال ۱۰۵۸ هجری قمری کتابت شده است و عکسی از آن به شماره ۱۰۷ در مرکز

نیز خاطر نشان کرده‌اند^{۳۱} خط خوردگی‌ها و اعمال اصلاحات بسیار در متن و حواشی دست‌نویست خود گواهی است بر اینکه این نسخه یا به خط نویسنده است یا دست کم بردست او اصلاح شده است. با توجه به اینکه این نسخه تنها چهار سال پس از نگارش نهج‌المسترشدين در سال ۶۹۹ هجری قمری نگاشته شده است و در آن متن نهج‌المسترشدين به طور کامل نقل شده، باید از آن در تصحیح متن نهج‌المسترشدين نیز بهره گرفت.

ناگفته نماند در موضوعی از این نسخه، ناهموازی‌ها و اغلاط زبانی فاحشی مشهود است که ممکن است انتساب کتابت نسخه را به نویسنده فاضل و البته جوانش با تردید روبرو کند. از باب نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «كما نتصور جبلاً من ياقوت و بحر من زبيق»^{۳۲} که باید علی القاعده «بحراً من زبيق» باشد.

۲. «إنا لا يعنى بالوجود الذهني»^{۳۳} که باید «إنا لا نعنى بالوجود الذهني» کتابت می‌شد.

۳. «ثم إني لَمَّا رأيت شيخنا الأعظم وإمامنا الأكرم ... جمال الحق و الملة والدين أبي منصور الحسن بن مولانا»^{۳۴} که باید «أبا منصور» نوشته می‌شد.

۴. «وليس شيئاً منها ثابتاً في الخارج»^{۳۵} که چون «شیء» اسم «ليس» است باید به صورت مرفوع یعنی «شیء» کتابت می‌شد.

۵. «والمراد كون الجسمان بحيث لا يتماسان»^{۳۶} که باید «الجسمين» نوشته می‌شد؛ چون مضاف إليه «كون» و مجرور است.

۶. «لأن انتقال كل واحد منهما متوقفاً على انتقال الآخر»^{۳۷} که چون «متوقف» خبر «أن» است می‌بایست «متوقف» نوشته می‌شد، نه «متوقفاً».

۷. «إن الموت أمراً وجودياً»^{۳۸} که به دلیل مرفوع بودن خبر «إن» باید «أمر»

۱۹. مقدمه مصحح بر تذكرة الواصلين في شرح نهج‌المسترشدين، ص ۱۸.

۲۰. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۶ الف. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر السلامی، ص ۴۲.

۲۱. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۷ الف. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر السلامی، ص ۴۴، ص آخر.

۲۲. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۳ الف. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر السلامی، ص ۳۴، ص ۱۱، ۵.

۲۳. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۱۴ ب. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر السلامی، ص ۶۳، ص آخر.

۲۴. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۲۰ ب. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر السلامی، ص ۷۶، ص ۱۳.

۲۵. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۲۱ ب. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر السلامی، ص ۷۸، ص ۶.

۲۶. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۳۳ الف. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر

السلامی، ص ۱۰۳، ص ۵.

۲۷. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۳۷ ب. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر السلامی، ص ۱۱۱، ص آخر.

۲۸. تذكرة الواصلين، نسخه ۵۵۵۶ مرعشی، ۳۷ ب. قس: تذكرة الواصلين، تصحيح: طاهر السلامی، ص ۱۱۲، ص ۱.

۲۹. «وذهب أكثر الحكماء من القدماء كأرسطو وأرسطاطاليس والمتأخرين كأبي نصر الفارابی وأبي علي الحسين ابن سینا». تذكرة الواصلين، ص ۷۹. شایان یادآوری است که نویسنده در مواضع متعددی «أرسطو» را به ریخت «أرسطو» نوشته است.

۳۰. تذكرة الواصلين، نسخه شماره ۹۰۲۱ مجلس شورای اسلامی، برگ ۸۸ ب.

احیاء تراث اسلامی قم موجود است.

۶. نسخه شماره ۱/ ۱۰۵۶۷ مجلس شورای اسلامی که به سال ۱۲۹۹ هجری قمری در نجف اشرف نوشته شده است.

نکته مهم در خصوص نسخه‌های تذکرة الواصلین، که متأسفانه مصحح کتاب ملتفت آن نبوده یا دست‌کم در مقدمه خویش تصریح خاصی بدان نکرده، آن است که از مقایسه اختلافات میان آنها می‌توان پی برد که کتاب تذکرة الواصلین دارای دو تحریر بوده است، به طوری که نسخه شماره ۵۵۵۶ کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی متعلق به تحریر نخست اثر است و پنج نسخه دیگر حکایتگر تحریر دوم آن هستند. در واقع اختلافات قابل ملاحظه میان نسخه اصل که به خط مؤلف کتابت شده و دیگر نسخ بازمانده از این اثر در برخی از قسمت‌های متن، که از اساس معانی و عبارات متفاوتی را به نمایش می‌گذارد، ما را بدین رهنمون می‌سازد که علی‌الظاهر نسخه دست‌نویست مؤلف، تحریر نخستین اثر است و پنج نسخه دیگر رونوشت‌هایی از تحریر ثانی آن، احتمالاً سید نظام‌الدین عبدالحمید پس از آنکه نسخه ابتدایی متن شرح خود را نگاشته بوده است (یعنی همان نسخه ۵۵۵۶ کتابخانه مرعشی)، اصلاحاتی را به مرور زمان در متن اعمال کرده و برخی فقرات را (حتی در اندازه چندین سطر) بدان افزوده یا از آن کاسته است و پاره‌ای از عبارات را نیز خط زده یا تغییر داده است. در نتیجه این اصلاحات، تحریر دوم اثر پدید آمده است که آن پنج نسخه شناخته شده دیگر این اثر همگی همین تحریر ثانی را آینه‌نگاری می‌کنند. وجود یادداشت‌هایی ناظر به متن که در تکه کاغذهای ضمیمه شده به نسخه نوشته شده و در لابه‌لای اوراق نسخه جای گرفته است نیز این حدس را تقویت می‌کند که نسخه مرعشی فقط پیش‌نویس و مسودۀ اثر بوده است و صورت نهایی تألیف را نشان نمی‌دهد. مصحح کتاب بدین نکته پی نبرده و گمان کرده است این فقرات و عبارات الحاقی در آن نسخ پنج‌گانه، چیزی جز عبارات حاکی از حواشی موجود در نسخه اصل نیست که بعدها احتمالاً از سوی کاتبان داخل متن شده است.^{۳۱} برخلاف گمان مصحح این عبارات و بخش‌های الحاقی به متن، نه چندان ربطی به حواشی نسخه اصل دارد و نه برافزوده‌نشاخته است، بلکه افزوده‌های خود نویسنده به متن اثر بوده که به مرور زمان بر روی متن اعمال کرده است و در نتیجه تحریری تازه از متن را پدید آورده است. در واقع جنس افزوده‌ها و اصلاحات صورت گرفته در متن که از قبیل ارائه دلیل یا ادله تازه بر مدعی، تجدید نظر در پاسخ به اشکالاتی و جایگزین کردن تعابیر دقیق‌تر و روشن‌تر است، نشان می‌دهد که افزایش این موارد از سوی خود نویسنده انجام گرفته است و بسیار بعید است این انبوه دگرگونی‌ها از تصرفات بعدی ناسخان اثر باشد.

چنان‌که گفتیم تحریر نخست اثر (یعنی همان نسخه ۵۵۵۶ کتابخانه مرعشی)، به تصریح خود مؤلف و بر طبق انجامه‌های نسخ آن، در سال ۷۰۳ هجری قمری به پایان رسیده است. از عبارات دعایی نویسنده نظیر «ادام الله ایامه» یا «دام ظلّه» در حق علامه حلی (م ۷۲۶ ه. ق) که در جای جای این دست‌نویست به چشم می‌خورد نیز می‌توان دریافت که شارح این اثر را در زمان حیات علامه نگاشته است، اما تحریر دوم اثر دست‌کم چند سال بعد و به تدریج رقم خورده است؛ یعنی زمانی که سید نظام‌الدین عبدالحمید شرح خودش بر تسلیک النفس علامه حلی را به نگارش درآورده بوده است. گواه این برداشت، عبارتی است که در نسخه‌های پنج‌گانه تحریر دوم تذکرة الواصلین دیده می‌شود، ولی در نسخه تحریر نخست اثر (یعنی همان نسخه ۵۵۵۶ کتابخانه مرعشی) موجود نیست و نویسنده در آن خوانندگان را برای آگاهی از تفصیل مطالب به شرحش بر تسلیک النفس علامه حلی ارجاع می‌دهد:

تذکرة الواصلین شرحی است کامل به سبک «قال أقول» بر رساله کلامی نهج المسترشدين فی اصول الدین علامه حلی. در صفحه عنوان نسخه‌ای که ظاهراً به خط نویسنده است نوشته شده: «کتاب تذکرة الواصلین فی شرح نهج المسترشدين تألیف العبد الفقیر إلى الله تعالى عبدالحمید بن محمد بن الأعرج الحسینی عفا الله عنه و عن والديه و عن المؤمنین» که به وضوح حکایتگر انتساب اثر به نویسنده و نیز نامی که او برای اثر خود برگزیده است می‌باشد.

۳۱. عبارت مصحح در این خصوص از این قرار است: «اختلاف هذه النسخة بالمتن عن جميع النسخ الأخرى المتأخرة زماناً مع وجود شروح متعدّدة عليها في الحاشية و خلوا النسخ الأخرى من ذلك، علماً أنّ بعض الفقرات الموجودة في النسخ الأخرى والتي أضيفها إلى المتن، كما أنشأنا، تحاكي الشروح الموجودة في حواشي هذه النسخة، فلربما يكون إدخال هذه الفقرات تبرعاً من النساخ، والله العالم». تذکرة الواصلین فی شرح نهج المسترشدين، ص ۱۸.

فأحببت أن أصتف له شرحاً كاشفاً لحقائقه و موضحاً لدقائقه
[علی سبیل الایجاز والاختصار و حذف التطویل والإكثار، إذ
جعلنا ذلك موکولاً إلى کتابنا المسمی به] (إيضاح اللبس فی
شرح تسلیک النفس) [۳۱].

عبارت میان دو قلاب در نقل بالا، تنها در پنج نسخه متأخر کتاب
وارد شده است و در نسخه دست‌نویس نویسنده نیست. بنابراین
ظاهراً نویسنده تحریرثانی را پس از (یا دست‌کم همزمان با) نگارش
شرح خودش بر تسلیک النفس فراهم آورده است. از آنجا که علامه
حلی تألیف تسلیک النفس را در سال ۷۰۴ هجری قمری به پایان برده
است،^{۳۳} بناگزر شرح سید نظام‌الدین عبدالحمید بر این کتاب باید در
تاریخی متأخر از سال ۷۰۴ نگارش یافته باشد و به همین ترتیب تحریر
دوم تذکرة الواصلین هم که حاوی ارجاع به شرح بر تسلیک النفس است
باید در تاریخی پس از سال ۷۰۴ رقم خورده باشد. در نسخه‌های متأخر
تذکرة الواصلین که ما آنها را تحریر دوم این کتاب تلقی کردیم، همه
جا پس از یادکرد از علامه حلی، عباراتی دعایی نظیر «رحمه الله» آمده
است که اگر این عبارات ریخته قلم خود سید نظام‌الدین عبدالحمید
باشد، آن‌گاه به روشنی می‌توان گفت این تحریر دوم پس از وفات علامه
حلی در سال ۷۲۶ هجری قمری نوشته شده است.

تذکر این نکته در اینجا بجاست که مرحوم علامه شیخ آقابزرگ تهرانی
در الذریعة با استناد به اینکه سید نظام‌الدین در تذکرة الواصلین به
کتاب ایضاح اللبس ارجاع داده است، نتیجه گرفته که ایضاح اللبس
باید در زمانی پیش از تاریخ تألیف تذکرة الواصلین یعنی سال ۷۰۳
هجری قمری نوشته شده باشد:

۱۹۵۲: (ایضاح اللبس) فی شرح تسلیک النفس إلى حظيرة
القدس (الانس) تصنیف آية الله العلامة الحلبي لابن أخته
السيد نظام الدين عبد الحميد بن أبي الفوارس محمد بن علي
الأعرجي. أحال التفصيل إليه في كتابه (تذکرة الواصلین) فی
شرح (نهج المسترشدين) الذي ألفه وقد دخل العشرين سنة
۷۰۳ فیهظرن تألیف الايضاح كان قبل التاريخ.^{۳۴}

سخن شیخ آقابزرگ در اینجا صحیح نیست؛ یعنی ممکن نیست
ایضاح اللبس پیش از سال ۷۰۳ نوشته شده باشد؛ زیرا نگارش تسلیک
النفس به دست علامه حلی تازه در سال ۷۰۴ به پایان رسیده بوده است
و ممکن نیست که سید نظام‌الدین قبل از سال ۷۰۳ شرحی بر تسلیک
النفس نوشته باشد. ریشه اشتباه آقابزرگ احتمالاً همین بوده که وی

تنها به نسخه‌های تحریر دوم تذکرة الواصلین دسترس داشته که در آنها
ارجاع به شرح تسلیک النفس، مدت‌ها پس از سال ۷۰۳ افزوده شده
بوده و چون ظاهراً شیخ آقابزرگ نمی‌دانسته است که این ارجاع در واقع
ارجاعی است الحاقی به اثر و در نسخه دست‌نویس مؤلف که سال
۷۰۳ نگاشته شده وجود نداشته است (و اساساً به شرحی که بازگفتیم
نمی‌توانسته وجود داشته باشد)، در داوری خود به خطا رفته.

۳. ارزیابی و نقد تصحیح تذکرة الواصلین فی شرح نهج المسترشدین

ویراست فراهم آمده بردست آقای طاهر السلاوی از تذکرة الواصلین
چنان‌که به اشارت نیز معلوم شد شوربختانه دچار نقصان‌های
چشمگیری است که ذیلاً در چند بخش بدان‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۳. اصل قرار دادن تحریر نخستین کتاب در تصحیح اثر
مصحح در مقدمه خویش بر کتاب تصریح کرده که نسخه شماره
۵۵۵۶ کتابخانه آية الله العظمی مرعشی قم را به سبب آنکه به خط
نویسنده کتابت گردیده و دست‌نوشتی کهن است، نسخه اساس خود
در تصحیح اثر قرار داده است.^{۳۵} چنان‌که پیش از این نشان دادیم، با
توجه به اینکه نسخه مرعشی به احتمال بسیار قوی مسوده و در واقع
تحریر ابتدایی مؤلف اثر بوده و هم‌بعداً اصلاحات و تغییرات
قابل ملاحظه‌ای در متن نخستین اعمال نموده و تحریردومی از متن
پدید آورده است، اصل و اساس قراردادن آن مسوده و نسخه اولیه که
ناقص نیز هست، از سوی مصحح در ویراست اثر کارکنی نادرست و
غیراصولی بوده است. مصحح ارجمنند گمان کرده صرف قدمت
نسخه و کتابت آن به دست مؤلف، مجوز و مرجح اساس تصحیح
قراردادن آن نسخه می‌شود، غافل از آنکه نسخه کهن دست‌نوشته
مؤلف در حقیقت چیزی بیش از یک پیش‌نویس مقدماتی از اثر نیست
و حکایتگر تحریر نهایی مورد نظر نویسنده نبوده است. اگر هدف از
تصحیح متن، عرضه نسخه نهایی مد نظر نویسنده از اثر است، در
این صورت، ملاک و اصل قراردادن پیش‌نویس ابتدایی متن نویسنده
در ویراست اثر ناصواب است. حتی اگر هدف مصحح عرضه تحریر
نهایی اثر نیز نبوده باشد و مثلاً خواسته باشد نخستین تحریر آن را در
قالب تصحیحی اختصاصی در اختیار خوانندگان قرار دهد، چون
نسخه کاملی از تحریر نخست در اختیار نداشته، در عمل از این
خواسته دور افتاده است. بر بنیاد آنچه آمد مصحح می‌بایست به جای
مسوده اثر، تحریر انعکاس یافته در پنج نسخه متأخر کتاب را اصل و
اساس تصحیح خود از این اثر قرار می‌داد.

۲-۳. درهم آمیختن تحریرهای اثر و خلق اثری جدید به نام مؤلف
گذشته از لغزش مصحح در اصل و اساس قراردادن مسوده ناقص

۳۲. تذکرة الواصلین فی شرح نهج المسترشدين، ص ۳۵.

۳۳. اشعیتکه، زابیه؛ الذبیه‌های کلامی علامه حلی؛ ترجمه احمد نمایی؛ چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ.
ش، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۵۹.

۳۴. آقابزرگ تهرانی؛ الذریعة إلى تصانیف الشیعة، بیروت: دارالأضواء، ج ۲، ص ۴۹۸.

۳۵. تذکرة الواصلین فی شرح نهج المسترشدين، ص ۲۰.

است و از این حیث اهمیت بسزایی دارد. پوشیده نیست که لحاظ این حواشی گاه تا چه اندازه در فهم برخی پیچیدگی‌ها و دشواری‌های متن ضرور و سودمند است و ای بسا در مواردی ارزش و اهمیت حواشی و تک‌واژه‌های مکتوب در میانه‌های سطور به مراتب بیش از عبارات خود متن باشد. بدین ترتیب مصحح اثر با اسقاط این حواشی، فواید قابل توجهی مترتب بر آنها را از خوانندگان کتاب سلب کرده است. شوربختانه برخی از کلمات یا عبارات نوشته شده در حواشی این نسخه در اثر پوسیدگی از بین رفته است، ولی بیشتر حواشی با کمی کوشایی و دقت قابل قرائت است. پسندیده بود مصحح ارجمند رنج خواندن و ضبط این حواشی را نیز بر خود هموار می‌داشت و تا آنجا که قرائت آنها میسر بود آنها را گزارش می‌نمود و خوانندگان را به فیض بهره‌وری از آنها می‌رساند. در حواشی چند نسخه دیگر این اثر هم حواشی و توضیحاتی گاه حتی به زبان فارسی نگاشته شده که مع الأسف مصحح هیچ عنایتی بدان‌ها ننموده و آنسان که عادت غالب مصححان مسامحه‌کار متون قدماست، حواشی را کأن لم یکن پنداشته و به نقل آنها اقدام نکرده است.

۳-۴. استفاده نکردن از یکی از نسخه‌های مهم اثر

از دیگر اشکالات وارد بر تصحیح آقای سلامی استفاده نکردن از نسخه مهم تذکرة الواصلین متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۰۲۱/۲ است. این نسخه دست‌نوشتی است کامل از اثر که استنساخ آن در ربیع الأول سال ۸۵۰ هجری قمری به انجام رسیده است. در کناره‌های نسخه، افزون بر ترجمه فارسی برخی عبارات حاشیه‌ها و پاره‌ای توضیحات نیز آمده است. مصحح از این نسخه که اکنون دومین نسخه کهن کتاب به‌شمار می‌آید و دسترس به آن نیز به سادگی از طریق پایگاه کتابخانه مجلس میسر بوده، در ارائه ویراست خود بهره‌نچسته است.

افزون بر ایرادات فنی و روشی پیشگفته بر تصحیح آقای طاهر السلاهی از کتاب، در ویراست ایشان اشکالات چندگانه و چندگونه‌ای در خصوص ضبط نص قابل ملاحظه است که در ادامه نمونه‌هایی از آنها را در بخش‌هایی چند بازگو می‌کنیم. برای رعایت اختصار از حدود چهارصد صفحه کتاب، تنها صد صفحه نخست متن اثر را (یعنی از ص ۳۲ تا ص ۱۳۲) برمی‌رسیم و از نقل اغلاط موجود در صفحات دیگر خودداری می‌کنیم. خوانندگان ارجمند با توجه به نتیجه ارزیابی این صفحات، به چند و چون کیفیت تصحیح در صفحات بعدی کتاب نیز پی خواهند برد.

۳-۵. افتادگی‌ها

در برخی از قسمت‌های متن ویراسته تذکرة الواصلین کلمه یا عبارتی حذف گردیده یا از قلم افتاده است که طبعاً موجب نارسایی و گاه

مؤلف در تصحیح اثر، خطای آشکار دیگری خلط دو تحریر اثر با یکدیگر و فراهم آوردن معجونی از دو تحریر کتاب است. مصحح محترم که دو تحریر کتاب را از هم بازشناخته است، بر خود روا داشته که هر جا صلاح دانسته قطعاتی را از تحریر دوم کتاب در لابه‌لای تحریر نخست کتاب که در دست‌نویس اصل موجود است قرار دهد. این قسمت‌ها که در ویراست عرضه شده غالباً در پاورقی با عبارت «أثبتناه من ب، ج، د، هـ» شناسانده شده است، متعلق به تحریر دوم کتاب است و مصحح نمی‌بایست آنها را بدین‌گونه در تحریر نخست اثر داخل می‌کرد. البته مصحح در موارد بسیاری نیز بر عبارات نسخه اصل یا تحریر نخست اثر تحفظ و تأکید ورزیده و عبارات متفاوت متعلق به تحریر دوم را به عنوان نسخه بدل در پاورقی گزارش کرده است. طبعاً جای این پرسش از مصحح هست که ملاک و معیار او برای گنجاندن بخش‌هایی از تحریر دوم اثر در دل عبارات تحریر نخست چه بوده؟ چرا برخی عبارات تحریر دوم را در متن وارد کرده و برخی دیگر را صرفاً در پاورقی قرار داده است؟ این سرگردانی در واقع ناشی از این امر است که مصحح تکلیف خود را با دو تحریر اثر روشن نکرده است؛ یعنی مشخص ننموده و علی‌الظاهر نمی‌دانسته است که کدام تحریر را اصل و اساس کار تصحیح خود می‌خواهد قرار دهد. به همین سبب گاه عباراتی را از تحریر دوم در عبارات تحریر اول وارد کرده و گاه از این کار صرف‌نظر کرده و تنها به درج آنها در پاورقی بسنده نموده است. در نتیجه مصحح ناخودآگاه دو تحریر اثر را درهم آمیخته و ویراستی فراهم آورده که آمیزه‌ای است از تحریر اول و دوم کتاب و در واقع تحریر سوم آن به قلم آقای طاهر السلاهی. اکنون کتاب عرضه شده از سوی مصحح نه نشان‌دهنده تحریر نخست اثر است و نه حکایتگر تحریر دوم آن، بلکه تألیفی است مستقل بر اساس دو تحریر کتاب.

به گمان ما مصحح می‌بایست در صورت امکان دو تحریر مختلف کتاب را به صورت مستقل تصحیح و در کنار هم منتشر می‌کرد یا اینکه تحریر دوم اثر را که در پنج نسخه متأخر تذکرة الواصلین موجود است، ملاک تصحیح خود قرار می‌داد و عبارات متفاوت تحریر نخست اثر را در جدولی در آخر کتاب یا دست‌کم در پاورقی به‌طور دقیق ثبت و ضبط می‌کرد، نه آنکه دو تحریر اثر را با هم درآمیزد یا اینکه فقط تحریر نخست آن را اساس تصحیح خود قرار دهد.

۳-۳. حذف حواشی و یادداشت‌های نویسنده

کاستی مهم دیگر ویراست ارائه شده از سوی آقای طاهر السلاهی حذف و نادیده انگاشتن حواشی بسیار ارزشمند موجود در نسخه اصل مؤلف است. مصحح ارجمند متأسفانه حواشی متعدد مندرج در کناره‌ها و فواصل سطور نسخه و همچنین یادداشت‌هایی را که در برگ‌هایی مستقل ضمیمه نسخه شده است نقل نکرده؛ حاشیه‌ها و یادداشت‌هایی که ظاهراً به همان خط متن نسخه و نوشته خود مؤلف

نادرستی متن شده است. برخی از این موارد به شرح زیر است:

نشانی	ضبط ناقص	ضبط کامل	کلمه یا عبارت افتاده
۱	ص ۱۹ س ۲	محمّد بن الأعرج	بن
۲	ص ۳۶ س ۱۱	لا شك أنّ لكلّ	فی
۳	ص ۵۱ س ۶	احترز عَمَّا	به
۴	ص ۵۳ س ۸	ترکت تحقیق هذه الأعراض مخافة التطويل	ههنا
۵	ص ۷۲ س ۱۴	أما المتكلمين	جمهور
۶	ص ۸۰ س ۹	لا نعنئ إلاّ الموجود بعد أن كان معدوماً	بالمُحدَث
۷	ص ۸۳ س ۱۰	قسّم أحكام الأعراض إلى عامّة وخاصّة	إلى
۸	ص ۸۵ پ ۶ س ۴	قالت الأوائل: مرئى	إنّه
۹	ص ۹۹ س ۴	وهو لازم	ينقسم إلى
۱۰	ص ۱۰۰ س ۲	قال ابوعلی الجبائی: متضادّ	إنّه
۱۱	ص ۱۰۱ س ۷	فتلك العلة ليست وجوده	هی
۱۲	ص ۱۰۶ س ۱۳	وإنّما قال: «من شأنه»	عَمَّا
۱۳	ص ۱۱۰ س ۱۱	نور القمر مستفاد من الشمس	نور
۱۴	ص ۱۱۴ س ۱	إنّه ضرورى كالفرج	التصوّر
۱۵	ص ۱۲۲ س ۱۰	فإن كان عالماً كان طلبه محالاً	به
۱۶	ص ۱۳۱ س ۶	كما يقال: الدرة في الحقّة، والحقّة في البيت، فالدرة في البيت، فيكون الدرة في البيت لأمر محذوف، وهو أنّ الدرة في شيء، وذلك الشيء في البيت	فيكون الدرة في البيت

از حیث حجم و بسط و
تفصیل مطالب، تذکرة
الواصلین - که در چاپ کنونی
حجمی بالغ بر چهارصد
صفحه دارد - شرحی است
نسبتاً موجز و هم‌تراز با
برخی از شروح دیگر موجود
نهیج المسترشدين همچون
تبصرة الطالبین عمیدالدین
بن أعرج و معراج الیقین
فخر المحققین و البتّه از
ارشاد الطالبین فاضل مقدار
مختصرتر است.

۳-۶. ضبط‌های نادرست و مرجوح

در مواضع متعددی از این تصحیح، ضبط کلمات و عبارات صحیح نبوده و نیازمند تصحیح مجدد است. در ادامه نمونه‌هایی از خوانش‌های ناصواب و ضبط‌های نادرست یا مرجوح مصحح نشان داده می‌شود. در هر مورد ابتدا ضبط غلط یا مرجوح مصحح و پس از آن ضبط صحیح یا راجح درج می‌گردد.

۱. ص ۱۹ س ۸: «إدام الله إيامه و حسن محمده بمحمّد وآله الأطهار» ← «حرس مَجده».

۲. ص ۳۴ س ۱۱. ۵: «ثمّ إنّي لَمّا رأيت شيخنا الأعظم وإمامنا الأكرم ... جمال الحقّ والملة والدين أبي منصور الحسن بن مولانا» ← «أبا منصور».

۵. ص ۳۷ س ۳: «الموضوع يطلق على ثلاث معان» ← «ثلاثة معان». (طبق آنچه در نسخه اصل و چند نسخه دیگر اثر آمده است).

۶. ص ۳۸ س ۳: «ويَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» ← «أولم تتفكروا في خلق السماوات والأرض».

در اینجا نویسنده برای اثبات وجوب معرفت خداوند به عبارت «أولم تتفكروا في خلق السماوات والأرض» به عنوان آیه‌ای از قرآن استشهاد کرده که البته چنین آیه‌ای در قرآن نیست. به همین دلیل مصحح بدون اینکه به ضبط نویسنده اشاره کند. آن عبارت را تبدیل کرده به آیه‌ای نظیر آن در قرآن، یعنی آیه ۱۹۱ سوره آل عمران. طبعاً جایگزین کردن عبارتی به جای عبارت نویسنده در حیطه اختیارات مصحح نیست و مصحح نباید خود را شریک المؤلف فرض نماید. در واقع مصحح می‌بایست همان عبارت مکتوب در دست نویس نویسنده را در متن اثر قرار می‌داد و البته یادآور می‌شد که این عبارت آیه‌ای از قرآن نیست و مآثر را سهوی دست داده است، نه اینکه آن را تغییر دهد و به جایش آیه‌ای مناسب بنشانند. این یعنی همان چیزی که آموزگاران متن‌شناسی بارها هشدار داده و گفته‌اند: مصحح، مُنشد است، نه منشی.

۷. ص ۴۱ س ۱۱: «إنَّ الوجودَ المشتركَ الماهيةَ إنما هو الوجودَ الذهني» ← «إنَّ الوجودَ المشتركَ إنما هو الوجودَ الذهني». کلمه «الماهية» در نسخه اصل (مرعشیه) موجود نیست و در نسخ دیگر اثر هم عبارت یادشده اصلاً وجود ندارد، بنابراین نباید در جمله ثبت شود. معلوم نیست مصحح بر چه اساسی آن را به متن افزوده است؟

۸. ص ۴۲ پاورقی ۱ س ۷: «... فلا يلزم كون الوجود موجوداً بوجود آخر، بل تكون موجوديته عن ماهيته، فعلى هذا ينقطع التسلسل» ← «موجوديته عين ماهيته». مطابق چهار نسخه: آستان قدس، ۹۰۲۱ مجلس، فاضل خوانساری و ۱۰۵۶۷ مجلس ضبط «عين» درست است و اختیار مصحح که آن را «عن» ضبط کرده است اشتباه.

۹. ص ۴۳ س ۲: «تحقيق هذا الكلام يظهر من مسائل» ← «يظهر في مسائل». در هر شش نسخه اثر به جای «من مسائل» عبارت «في مسائل» آمده و معلوم نیست از چه رو مصحح آن را تغییر داده، بی‌آنکه به ضبط نسخه‌ها حتی در پاورقی اشاره کند.

۱۰. ص ۴۳ س ۹: «ثم الخارجى إما واجب لذاته أو ممكناً» ← «ثم الخارجى إما واجب لذاته أو ممكن». در نسخه اصل اثر و مطابق با قواعد زبان عربی به جای «أو ممكناً» عبارت «أو ممكن» آمده و وجه عدول مصحح از آن و درج ضبط غلط «أو ممكناً» روشن نیست. در باقی نسخ هم که عبارت یکسره به گونه دیگری است.

۱۱. ص ۴۴ س ۲۱: «أو ممكن الوجود وهو جميع ما يتحدّد من المعدومات» ← «أو ممكن الوجود وهو جميع ما يتحدّد من المعدومات». هم مطابق نسخ اثر و هم با توجه به معنای عبارت روشن است که به جای «يتحدّد»، ضبط «يتجدّد» درست است.

۱۲. ص ۵۰ س ۴: «وإنما قال: «إشارة حتمية»، احترازاً به عمّا يشار إليه إشارة عقلية. وإنما قال: «لذاته»، احترازاً به عمّا يشار إليه لغيره، كالعرض» ← «احتراز به عمّا». همان طور که در نسخه‌های اثر نسخه اصل و دو نسخه کهن مجلس و آستان قدس و در مواضع دیگری از خود کتاب آمده است به جای «احترازاً به عمّا» بایست یا دست کم بهتر بود «احتراز به عمّا» ثبت می‌شد.

۱۳. ص ۵۳ س ۱: «فالعرض: إما أن يكون مشروطاً بالحياة، أى: الحياة شرطاً فى وجوده» ← «الحياة شرط فى وجوده». کلمه «شرط» خبر برای «الحياة» است و باید مرفوع باشد، همان طور که در نسخه اصل و چند نسخه دیگر اثر چنین است.

نکته مهم در خصوص نسخه‌های تذکرة الواصلين - که متأسفانه مصحح کتاب ملتفت آن نبوده یا دست کم در مقدمه خویش تصریح خاصی بدان نکرده - آن است که از مقایسه اختلافات میان آنها می‌توان پی برد که کتاب تذکرة الواصلين دارای دو تحریر بوده است، به طوری که نسخه شماره ۵۵۵۶ کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی متعلق به تحریر نخست اثر است و پنج نسخه دیگر حکایتگر تحریر دوم آن هستند.

۱۴. ص ۶۶ س ۱۱۱۰: «الكرة الحقيقية هي التي يتساوى خطوطها الخارجية من مركزها الواصلة إلى محيطها» ← «خطوطها الخارجية من مركزها الواصلة إلى محيطها». چنان که در نسخ اثر آمده به جای «الخارجية» باید «الخارجة» در متن ثبت شود که بدین ترتیب با کلمه «الواصلة» نیز تناسب خواهد داشت.

۱۵. ص ۶۸ س ۱۱: «الوجه الثاني: إذا كان خطأ مركباً من ثلاثة أجزاء، ثم وضعنا فوق طرفي الخط جزئين» ← «الوجه الثاني: إذا كان خطأ مركباً من ثلاثة أجزاء». کلمه «خط» در مقام فاعل «كان» قرار دارد و می بایست مرفوع باشد و کلمه «مركب» صفت آن است که باید مثل موصوف، مرفوع باشد. در پنج نسخه متأخر اثر هم عبارت به درستی به صورت «إذا كان خطأ مركب» آمده است.

۱۶. ص ۷۰ س یکی به آخر: «الزاوية القائمة تحدث عن خطين أحدهما راكباً على الآخر كالمعمود عليه» ← «كالمعمود عليه». چنان که در نسخه اصل و چهار دست نوشت دیگر اثر آمده به جای «كالمعمود عليه»، باید «كالمعمود عليه» ثبت شود.

۱۷. ص ۷۲ س ۱۲: «أن الضرورة قاضية بأن البعدين إذا اجتماعا زاد على البعد الواحد» ← «بأن البعدين إذا اجتماعا زادا على البعد الواحد». چنان که در متن نهج المسترشدين و نسخه اصل و برخی دیگر از نسخ اثر آمده است و هماهنگ با فعل «اجتماعا»، به جای «زاد» در متن باید «زادا» ضبط شود؛ چون فاعل فعل «زاد» دو بعد / «بعدين» است و بنابراین ضبط صحیح «زادا» است.

۱۸. ص ۷۳ س ۹: «احتجوا بأن الأجسام قابلة للألوان والطعوم والروائح فيجب اتصافها بهذه أو بضدها» ← «فيجب اتصافها بها أو بضدها». همان طور که در چند نسخه اثر آمده است و با توجه به اینکه مشارالیه ضمیر پس از «اتصافها» کلمات «الألوان والطعوم والروائح» است، باید به جای «اتصافها بهذه» نوشته شود: «اتصافها بها». ضمیر «ها» در «بضدها» که در ادامه آمده است و همچنین عبارت «لكن قولهم يجب الاتصاف بها أو بضدها ممنوع» که در سطر بعدی نوشته شده است نیز شاهدهی است بر اینکه عبارت درست همان «اتصافها بها» است.

۱۹. ص ۷۴ س ۱۰: «إن الأجسام لو كانت غير متناهية، لأمكننا فرض خطين غير متناهيين» ← «لأمكننا فرض خطين». مطابق با نسخه های اثر به جای «لأمكننا» باید در متن عبارت «لأمكننا» ضبط شود.

۲۰. ص ۸۱ س ۸: «فلأنها لو كانت ساكنة وجب امتناع الحركة عليها، لأن السكون الأزلي يمنع زواله» ← «لأن السكون الأزلي يمنع زواله». چنان که در نسخ اثر وارد شده است به جای «يمنع» باید «يا دست کم بهتر بود. کلمه «يمنع» ثبت می شد؛ یعنی معنای عبارت این است که «زوال سکون ازلی، ممتنع است».

۲۱. ص ۸۵ س ۴: «لأن الحركة من الأمور الوجودية، فيكون السكون كذلك لكونها من نوع واحد» ← «فيكون السكون كذلك لكونها من نوع واحد». نظر به اینکه در نسخه اصل «لكونها» ثبت شده و در پنج نسخه دیگر کتاب هم «لأنهما» آمده است، ضبط صحیح یا «لكونها» است یا «لأنهما». بنابراین ضبط مصحح یعنی «لكونها» صحیح نیست. از حیث معنا هم باید گفت «دو چیز از یک نوع هستند»، یعنی «حرکت و سکون از نوع واحد هستند» نه اینکه «سکون از نوع واحد است».

۲۲. ص ۸۹ س ۶: «لما بيناه من حجة أبي علي» ← «لما بيناه في حجة أبي علي». وفق آنچه در نسخ اثر آمده است باید به جای «من»، «في» نوشته شود.

۲۳. ص ۹۵ س ۳: «وهل هاهنا أمراً زائداً يصاد الحرارة» ← «وهل هاهنا أمر زائد يصاد الحرارة». طبق قواعد زبان عربی و چنان که در نسخه های تحریر دوم اثر آمده است، باید به جای «أمراً زائداً» عبارت به صورت «أمر زائد» (به جهت مبتدای مؤخر بودن در حالت مرفوع) نوشته شود. البته مصتف در نسخه مسوده و تحریر

چنان که گفتیم تحریر نخست اثر (یعنی همان نسخه ۵۵۵۶ کتابخانه مرعشی) - به تصریح خود مؤلف و بر طبق انجامة های نسخ آن - در سال ۷۰۳ هجری قمری به پایان رسیده است. از عبارات دعایی نویسنده نظیر «إدام الله إيامه» یا «دام ظلّه» در حق علامه حلی (م ۷۲۶ هـ. ق) که در جای جای این دست نوشت به چشم می خورد نیز می توان دریافت که شارح این اثر را در زمان حیات علامه نگاشته است.



اقلیه کتاب به اشتباه «أَمْراً وَالذَّاهِ نُوشْتَه كَه مَصْحُوحٌ يُرْعَفُ كَرِهَهُ وَهَمَانِ
رَا ذَرُوبِ رِاسْت خُودِ آوَرْدَه اسْت. ذَرُ حَالِي كَه لُوبِسْتَدَه اَنْ رَا ذَرُ تَحْرِيرِ دُومِ خُودِ
اصْلَاحِ كَرِهَهُ بُوْدَه اسْت.

۲۴. ص ۹۵ س ۱۶: «وَإِخْتَلَفَ أَيْضاً بِالْبُرُودَةِ» ← «وَإِخْتَلَفَ أَيْضاً فِي الْبُرُودَةِ»،
هَمْجَانِ كَه ذَرُ نَسْخِ اَنْرَا مَدَه اسْت صَبْطٌ صَحِيحٌ فِي الْبُرُودَةِ اسْت. نَهْ
«بِالْبُرُودَةِ» كَه سُرُ اسْت هَمْ نِيَسْت.

۲۵. ص ۹۶ س ۱: «الْوَطْوِيَّةُ وَالتَّبْيُوسَةُ مَعْنِيَانِ مَلْرُكَانَ بِاللَّمْسِ» ← «مَعْنِيَانِ
مَلْرُكَتَانِ بِاللَّمْسِ». چنان که ذَرُ نَسْخَةُ اَصْلِ وَ دِيْگَرِ دَسْتِ نُوشْتِ هَمایِ اَنْرَا
اَمَدَه وَ بِاَنْ اَلِثْ كَلِمَاتِ اسْتِعْمَالِ شُدَه ذَرُ جَمْلَه هَمْ نَسَابِ دَارِدِ، صَبْطٌ
صَحِيحٌ «مَلْرُكَتَانِ» اسْت نَهْ «مَلْرُكَانِ».

۲۶. ص ۹۸ س ۱: «وَقَالَ أَبُو عَلِيٍّ ابْنُ سِينَا بِوُجُودِهِ أَيْ بِوُجُودِ الصَّوْتِ
خَارِجِ الْحَاشِيَةِ، لَا تَدْرِكُ جِهَتَهُ» ← «وَقَالَ أَبُو عَلِيٍّ ابْنُ سِينَا بِوُجُودِهِ أَيْ
بِوُجُودِ الصَّوْتِ | خَارِجِ الْحَاشِيَةِ، لِأَنَّ تَدْرِكَ جِهَتَهُ». اِنْجَرَه ذَرُ نَسْخَةُ اَصْلِ
عِبَارَتِ بِه صُورَتِ اَشْتِبَاهِ «لَا تَدْرِكُ جِهَتَهُ» نُوشْتَه شُدَه اسْت. اَمَّا لُوبِسْتَدَه
ذَرُ اصْلَاحَاتِ اَلْجَامِ دَاذَه ذَرُ تَحْرِيرِ دُومِ خُودِش. اَنْ رَا بِه شَكْلِ صَحِيحِ «لَا
تَدْرِكُ جِهَتَهُ» نُورْدَه اسْت. مَثَابَهْتَه مَصْحُوحِ هَمَانِ صَبْطٌ غَلَطٌ وَ اَذَرُ مَثَلِ
قَوَارِ دَاذَه وَ صَبْطٌ صَحِيحٌ رَا ذَرُ يَارِ وَ فِي دَرُجِ كَرْدَه اسْت. شَاهِدَه بُوَا يَنْكَه صَبْطٌ
صَحِيحٌ ذَرُ اِنْجَا «لَا تَدْرِكُ جِهَتَهُ» اسْت. نَهْ «لَا تَدْرِكُ جِهَتَهُ». عِبَارَتِ
مَثَابَهْتَه بِه عِبَارَتِ مَوْرِدِ كُفْتِ وَ كُورِي مَا ذَرُ مَنَاهِجِ اَلْيَقِيْنِ اسْت كَه عِلْمَه حَالِي
ذَرُ اَنْجَا نُوشْتَه اسْت: «وَ اَمَّا اَنْ الصَّوْتِ حَاصِلِ فِي خَارِجِ الْحَاشِيَةِ بِالتَّمْوِجِ
أَوْ فِي الْحَاشِيَةِ فَفِيهِ شَكٌّ وَ قَدْ جَرَمَ الشَّيْخُ بِوُجُودِهِ خَارِجاً لِأَنَّ تَدْرِكَ جِهَتَهُ»^{۳۰}
مَلاَحِظَه مِي قَوَا مِيْدِ كَه عِيْنِ عِبَارَتِ مَوْجُودِ ذَرُ تَذَكْرَه الْوَاَصِلِيْنَ ذَرُ عِنْدَ مَنَاهِجِ
اَلْيَقِيْنِ هَمْ اَمَدَه وَ بِاَنْ اَبُو اَلْيَقِيْنِ بِاَنْ تَوْجُهَ بِه عِبَارَتِ مَنَاهِجِ، صَبْطٌ صَحِيحٌ هَمَانِ
«لَا تَدْرِكُ جِهَتَهُ» اسْت.

۲۷. ص ۹۹ س ۱: «وَالْاعْتِمَادُ جِنْسٌ تَحْتَهُ هَذِهِ السَّقَّةُ الْأَنْوَاعُ،
← فالاعتماد جنس تحت هذه السقّة الأنواع. هَمَانِ طُورِ كَه ذَرُ نَسْخِ اَنْرَا مَدَه
صَبْطٌ صَحِيحٌ «تَحْتَهُ» اسْت. بِعِنِي «اعْتِمَادٌ» عَرَضِي اسْت كَه دَارِ اِي سَقَّةِ نَوْعِ اسْت.

۲۸. ص ۱۰۱ س ۱۴: «لَأَنَّ الْجِسْمَ إِذَا وَصِيَتْهُ إِلَى جِهَةٍ فَوْقَ كَانَ فِيهِ اعْتِمَادٌ إِلَى فَوْقٍ بِالتَّسْوِيرِ اعْتِمَاداً إِلَى نَحْتِ
بِالتَّطْبِيعِ» ← «كَانَ فِيهِ اعْتِمَادٌ إِلَى فَوْقٍ بِالتَّسْوِيرِ اعْتِمَاداً إِلَى نَحْتِ بِالتَّطْبِيعِ». كَلِمَه «اعْتِمَادٌ» ذَرُ هَرُ دُو مَوْضِعِ
اسْمِ «كَانَ» اسْت وَ يَارِدِ مَرْفُوعِ يَأْتِي شُدَه، بِاَنْ اَبُو اَلْيَقِيْنِ صَبْطٌ «اعْتِمَادٌ» ذَرُ هَرُ دُو مَجْلِ اَشْتِبَاهِ اسْت. گُو اِيْنَكَه اِيْنِ
اَشْتِبَاهِ رَا لُوبِسْتَدَه ذَرُ نَسْخَةُ دَسْتِ لُوبِسْتِ مَرْكَبِ شُدَه وَ مَصْحُوحِ مَثُوجَه اَنْ اَشُدَه اسْت.

۲۹. ص ۱۰۱ س ۹: «مَذْهَبُ الْمُعْتَلِلَةِ إِلَى أَنَّ الَّذِي يَبْقَى هُوَ الْإِلَازِمُ لَا غَيْرَ» ← «مَذْهَبُ الْمُعْتَلِلَةِ أَنَّ
الَّذِي يَبْقَى هُوَ الْإِلَازِمُ لَا غَيْرَ». ذَرُ عِبَارَتِ فَوْقِ «اَلْيَقِيْنِ» كَلِمَه «إِلَى» بِه مَثَلِ اَنْ سَوِي مَصْحُوحِ كَارِي تَابِجَا
بُوْدَه. هَمَا غَطُورِ كَه قَوَارِ دَاذَنِ حَرْفِ وَ اَذَرُ مَثَلِ، لِاَصْحَحِ وَ مَجْلِ بِه مَعْنَا عِبَارَتِ اسْت. بِاَنْ اَبُو اَلْيَقِيْنِ مَطَابِقِ بِاِ
ذَرُ نَسْخَةُ رَضْوِي وَ (۹۰۲) مَجْلِسِ عِبَارَتِ فَوْقِ بَدُوْنِ اَفْرُودِنِ وَ اَبُو اَلْيَقِيْنِ صَحِيحٌ اسْت.

۳۰: «لَوْ بُو جِهَتَهُ مَطْلَبٌ وَ مَنَاهِجِ اَلْيَقِيْنِ اِي الصَّوْتِ اَلَّذِي تَحْتَهُ بِعِيْنِ اَصْحَحِ اَلْيَقِيْنِ اَلَّذِي اَشْتِبَاهَاتِ اَمَدَه. اَنْ رَا ذَرُ حَرْفِ اَلْيَقِيْنِ»



۳۰. ص ۱۰۰ س ۱۲: «لکن الثانی بقسمیه باطل، فالمقدم مثله» ← «لکن الثانی بقسمیه باطل، فالمقدم مثله».

۳۱. ص ۱۰۲ س ۳: «لابد فی تحقیقه من طریان ضد» ← «لابد فی تحقیقه من طریان ضد». چنانکه در نسخ اثر آمده ضبط صحیح «تحقیقه» است، یعنی: در تحقق عدم، عروض ضد ضروری است.

۳۲. ص ۱۰۵ س ۴: «أما كون القدرة عرضاً فظاهر» ← «أما كون القدرة عرضاً فظاهر». کلمه «عرض» در جمله یادشده خبر برای «كون» است و باید منصوب باشد. بر این بنیاد همان طور که در برخی از نسخ اثر هم آمده کلمه «عرض» باید بصورت «عرضاً» ثبت شود.

۳۳. ص ۱۰۵ س آخر: «إما أن يريدون بالقدرة... وإما أن يريدون بها» ← «إما أن يريدوا بالقدرة... وإما أن يريدوا بها». کلمه «یریدون» که پس از «أن» قرار گرفته است در هر دو موضع باید منصوب به حذف نون باشد

که در این صورت شکل صحیح ضبط آن «یریدوا» است. عجیب است که مصحح همین شکل صحیح را به نقل از دو نسخه اثر در پاورقی گزارش کرده و صورت غلط را در متن نهاده است.

۳۴. ص ۱۱۱ س ۱۱: «ولابد في التواتر أن تأمن النفس المواطأة على ذلك الخبر والكذب» ← «ولابد في التواتر من أن تأمن النفس المواطأة في ذلك الخبر على الكذب». عبارت به نحوی که در تحریر نخست اثر آمده است و مصحح در متن ضبط کرده، ناهمواری مشهودی دارد و گویا از همین روی در تحریر دوم کتاب به گونه‌ای که نوشتیم اصلاح شده است.

۳۵. ص ۱۱۱ س ۱۳: «لم يحصل عندنا جزماً» ← «لم يحصل عندنا جزم». چنان‌که در نسخ تحریر دوم اثر آمده و موافق با قواعد زبان عربی، کلمه «جزم» باید مرفوع باشد؛ چون فاعل فعل «لم يحصل» است.

۳۶. ص ۱۱۲ س ۲: «لأنّ اليقين هو القاضى بكونه [الخبر] متواتراً» ← «لأنّ اليقين هو القاضى بكون [الخبر] متواتراً». در تحریر نخست اثر «بكونه متواتراً» آمده که عبارت درستی است، اما در نسخ تحریر دوم اثر، به جای آن، «بكون الخبر متواتراً» وارد شده است. مصحح کلمه «الخبر» را از تحریر دوم گرفته و در متن قرار داده است، ولی فراموش کرده که این تغییر و تصرف با «بكونه» سازگاری ندارد و باید این کلمه را هم بر اساس تحریر دوم به شکل «بكون» بیاورد.

۳۷. ص ۱۱۷ س ۶-۷: «إذ هو مشتمل على العليل الأربعة المادية وهي الأمور الصورية وهي: الترتيب. والغائية وهي قوله: «ليتوصل». والفاعلية، وهي: الضمير في قوله: ليتوصل» ← «إذ هو مشتمل على العليل الأربع: المادية وهي «الأمور»؛ الصورية وهي: «الترتيب»؛ والغائية وهي قوله: «ليتوصل»؛ والفاعلية، وهي الضمير في قوله: «ليتوصل». مصحح معنای جمله را بدرستی در نیافته و در ویرایش آن دچار اشتباه شده است. نویسنده در اینجا درصد بر شماری علیل اربعه در تعریف «نظر» به: «هو ترتيب أمور ذهنية يتوصل بها إلى أمر آخر» است.

۳۸. ص ۱۱۸ س ۱۱: «أنّ العالم مستغنى عن المؤثر» ← «أنّ العالم مستغن عن المؤثر».

۳۹. ص ۱۱۹ س ۶: «وإن كان من قبيل الصورة كان جهلاً، فقولنا: العالم قديم، وكلّ قديم فهو مستغن عن المؤثر، فالعالم مستغن عن المؤثر» ← «كقولنا:».

۴۰. ص ۱۲۲ س ۱۰: «لأنّه يلزم من تحصيل الحاصل وهو محال» ← «لأنّه يلزم منه تحصيل الحاصل وهو محال». عبارت در شکلی که نویسنده ثبت کرده است معنای مناسبی ندارد، بنابراین یا باید مثل نسخه اصل به شکل «يلزم منه» ضبط شود و یا همچون نسخ تحریر دوم اثر بصورت «يستلزم» درج گردد.

۴۱. ص ۱۲۸ س ۷: «إن عني بأولوية النظر بحيث أداه إلى معرفة الله كان أول الواجبات» ← «إن عني بأولوية النظر من حيث أدائه إلى معرفة الله». چنان‌که در نسخ اثر آمده، ضبط صحیح عبارت، «من حيث أدائه» است، نه «بحيث أداه».

۴۲. ص ۱۲۹ س ۶: «فمتى وجدت النار وجد الإحراق ومتى انتهت انتهى» ← «فمتى وجدت النار وجد الإحراق ومتى انتفت انتهى». مصحح در خوانش نسخه دچار اشتباه شده و به جای «متى انتفت انتهى» ثبت کرده است: «متى انتهت انتهى».

۴۳. ص ۱۳۱ س آخر: «فهذا دليل مركب من أمرين: أحدهما عقلى وهو قول أنّ النبى (ص) صدق» ← «و هو أنّ قول النبى (ص) صدق».

اما تحریر دوم اثر دست‌کم چند سال بعد و به تدریج رقم خورده است؛ یعنی زمانی که سید نظام‌الدین عبدالحمید شرح خودش بر تسلیک النفس علامه حلی را به نگارش در آورده بوده است. گواه این برداشت، عبارتی است که در نسخه‌های پنج‌گانه تحریر دوم تذکره الواصلین دیده می‌شود، ولی در نسخه تحریر نخست اثر (یعنی همان نسخه ۵۵۵۶ کتابخانه مرعشی) موجود نیست



۳-۷. سهل انگاری در ثبت و ضبط نسخه بدل ها

یکی از نقاط ضعف بنیادین ویراست عرضه شده توسط آقای طاهر السلامی، اهمال و سهل انگاری ایشان در ثبت و ضبط نسخه بدل ها است. اگرچه ایشان در مقدمه خود خاطرنشان کرده اند که «موارد اختلاف موجود میان نسخ را در حاشیه ذکر کرده اند»^{۳۸} و بر این اساس تصوّر خواننده این خواهد بود که هر جا اختلاف نسخه ای بوده لابد ایشان در پاورقی ثبت کرده اند، مصحح در بسیاری از موارد از ذکر اختلاف نسخه ها غفلت ورزیده و هیچ اشاره ای بدان ها ننموده است. در مواضع متعدّدی ضبط این نسخه بدل ها ضرور بوده است و ثبت آنها می توانست به خوانندگان در تشخیص ضبط برتر کمک کند. متأسفانه مصحح در انعکاس نسخه بدل ها به دلخواه خود عمل کرده و هیچ ضابطه ای را در این کار رعایت ننموده است. در یک تصحیح فقی و استوار، مصحح باید تمام نسخه بدل ها را ثبت و عرضه کند و از ذکر آنها خودداری ننماید. چنان که در مقالاتی دیگر نیز یادآور شده ام، ذکر برخی از اختلافات نسخ و چشم پوشی از گزارش برخی دیگر، بدون ارائه ملاک و معیار مشخص، با اصول علمی تصحیح انتقادی ناسازگار است. طبعاً اگر روند وروال مورد پسند مُصَحِّح در تصحیح این اثر آن بود که اصلاً به نسخه بدل ها اشاره ای نکنند یا اینکه فقط نسخه بدل های مهم را ذکر کنند و بدین نکته هم در مقدمه خود تصریح می نمود، در این صورت چندان جای خرده گیری در باب عدم درج دقیق اختلاف نسخ نبود؛ چون اساساً در این حالت تصحیح فراهم آمده، تصحیحی انتقادی و فقی به شمار نمی آید که ضبط نسخه بدل ها در آن مهم شمرده شود. در حقیقت در یک تصحیح انتقادی عالمانه، عرضه نسخه بدل ها به نحو دقیق شرطی است لازم و اجتناب ناپذیر. در این کار نه تنها ثبت دقیق نسخه بدل های صحیح ضرورت دارد، بلکه ضبط های به ظاهر غلط نیز باید مدّ نظر قرار گیرد و تا حدّ امکان گزارش گردد؛ زیرا چه بسا ضبط درست در واقع همان ضبطی باشد که به نظر مُصَحِّح غلط رسیده است. به تعبیر دکتر محمود امید سالار:

۳۸. «ذکر موارد اختلاف الموجود بین النسخ فی الهامش». تذکرة الواصیلین فی شرح نهج المسترشدین، ص ۲۰.

ضبط‌های غلط در بسیاری از مواقع می‌توانند به صورت اصلی و از دست رفته راهبر باشند. برخلاف سابق که ما آنچه را که غلط می‌دیدیم به یک نظر کنار می‌گذاشتیم و به ضبط‌هایی که به نظرمان صحیح‌تر می‌آمد می‌پرداختیم، دکتر جلال خالقی مطلق به ما یعنی به آن‌هایی از ما که حرف حساب به گوشمان می‌رود. آموخت که در غلط‌های متن هم باید دقیق شد زیرا در بسیاری از موارد این غلط‌ها هستند که کلید حل معمای متن را در خود پنهان کرده‌اند.^{۳۹}

از این گذشته گزارش نسخه‌بدل‌های نادرست و مرجوح در ارزشیابی و اعتبارسنجی نسخه‌ها از حیث صحت و سقم کتابت هم در دیده خواننده تیزبین ارزشمند است و بجا. این شیوه از ارائه نسخه‌بدل‌ها اکنون در تصحیح‌های انتقادی بسیاری از متون (خاصه متون ادبی کهن) نهادینه شده و منهجی علمی و قابل توصیه به‌شمار می‌آید، اما صد افسوس که در تصحیح متون دینی و کلامی تا نهادینه کردن آن در بین مصححان راهی دراز در پیش داریم.

در اینجا فقط به بخش کوچکی از نسخه‌بدل‌هایی که مصحح تذکرة الواصلین از ثبت آنها غفلت ورزیده اشاره می‌کنم. طبعاً فهرست تمام اختلاف نسخه‌هایی که ضبط نشده است بسیار درازامن تراست از آنچه اکنون ارائه می‌شود. در جدول زیر تنها پنجاه مورد از نسخه‌بدل‌های مهم گزارش نشده از دست‌نویس کهن مورد استفاده مصحح، یعنی نسخه دست‌نویس مصحح (مرعشی ۵۵۵۶) و نسخه آستان قدس رضوی درج می‌گردد.

	نشانی	ضبط متن	نسخه دارای ضبط متفاوت	نسخه بدل گزارش نشده
۱	ص ۳۳ س ۵	صنعه	مرعشی / رضوی	صنعته
۲	ص ۳۳ س ۵	الکتاب	مرعشی / رضوی	کتاب
۳	ص ۳۵ س ۴	مسائله	رضوی	لمسائل
۴	ص ۳۶ س آخر	أعراضه	رضوی	الأعراض
۵	ص ۴۳ س ۱۰	غیر	مرعشی	غیره
۶	ص ۴۴ س ۱	الباری	مرعشی	الله
۷	ص ۴۵ س ۲	تفعل	رضوی	تعقل
۸	ص ۴۵ س ۲	المانع	رضوی	المنع
۹	ص ۴۴ س آخر	الموجود	رضوی	الوجود
۱۰	ص ۴۵ س ۱	متساویة	مرعشی / رضوی	مساویة
۱۱	ص ۴۷ س ۷	کذلک	رضوی	ذلک
۱۲	ص ۵۱ س ۱۲	یحصل	رضوی	یحصل به
۱۳	همان س ۱۳	خطاً / سطحاً	رضوی	خط / سطح
۱۴	ص ۵۲ س ۴	راکب	مرعشی	راکباً
۱۵	ص ۵۶ س آخر	اتبهما	رضوی	تابعهما
۱۶	ص ۵۹ س ۸	النوعین	رضوی	النوع
۱۷	ص ۶۳ س ۹	بستلزم	رضوی	یلزم منه
۱۸	ص ۶۴ س ۳	التمایز	رضوی	التمیز
۱۹	همان	العینة	رضوی	المعينة

۳۹. امید سالار، محمود؛ سی و دو مقاله در نقد و تصحیح متون ادبی؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۹ هـ. ش، ص ۴۸۹.

یکی از نقاط ضعف بنیادین ویراست عرضه‌شده توسط آقای طاهر السلامی، اهمال و سهل‌انگاری ایشان در ثبت و ضبط نسخه‌بدل‌ها است. اگرچه ایشان در مقدمه خود خاطرنشان کرده‌اند که «موارد اختلاف موجود میان نسخ را در حاشیه ذکر کرده‌اند» و بر این اساس تصوّر خواننده این خواهد بود که هر جا اختلاف نسخه‌ای بوده لابد ایشان در پاورقی ثبت کرده‌اند، مصحح در بسیاری از موارد از ذکر اختلاف نسخه‌ها غفلت ورزیده و هیچ اشاره‌ای بدان‌ها ننموده است.

۲۰	ص ۶۶ س آخر	وصل	رضوی	حصل
۲۱	ص ۶۷ س ۱	الملاصق	رضوی	المتلاصق
۲۲	ص ۶۷ س ۶	لافته	رضوی	لاقیة
۲۳	ص ۷۲ س ۷	بالأمس	مرعشی	فی الأمس
۲۴	ص ۷۲ س ۱۵	يقضى إلى	مرعشی	يقضى
۲۵	همان	بینهما	مرعشی	بینها
۲۶	ص ۷۵ س ۲	إنا	رضوی	إذا
۲۷	ص ۷۵ س ۳	ساوینا	رضوی	ساویا
۲۸	ص ۷۵ س آخر	للجانب	مرعشی	للمایل
۲۹	ص ۷۷ س ۲	بوجهین	رضوی	لوجهین
۳۰	ص ۷۷ س ۷	حلّ	رضوی	دخل
۳۱	ص ۸۰ س ۸	بقاء	رضوی	وجود
۳۲	ص ۸۱ س آخر	یتساوی	مرعشی	یساوی
۳۳	ص ۸۱ س ۱۱	بسیطة أو مرکبة	رضوی	بساط أو مرکبات
۳۴	ص ۸۴ س ۵	وأما مذهب	رضوی	فأما
۳۵	ص ۸۴ س ۶	عین المستقبل	رضوی	غیرالمستقبل
۳۶	ص ۸۵ س ۶	الافتراق	رضوی	الاقتران
۳۷	ص ۸۵ س آخر	بواسطتها	مرعشی	بواسطتها
۳۸	ص ۸۷ س ۴	السلق	رضوی	الثلث
۳۹	ص ۹۰ س ۳	فاعل	رضوی	تفاعل
۴۰	ص ۹۳ س ۵	قرب	مرعشی	قربت
۴۱	ص ۹۵ س ۳	البرودة	مرعشی	البرودة أم لا
۴۲	ص ۹۶ س ۶	للأشكال	مرعشی	الأشكال
۴۳	ص ۹۷ س ۶	القلع والقرع	رضوی	القطع والفرع
۴۴	ص ۹۹ س آخر	و	رضوی	لیکن
۴۵	ص ۱۰۰ س ۷	المتضادین	رضوی	الضدین
۴۶	ص ۱۰۶ س ۱۴	عديم	رضوی	عدم
۴۷	ص ۱۲۱ س ۲	لوجهین	مرعشی	لنا وجهان
۴۸	ص ۱۲۶ س ۱۲	العلم بوجوب	رضوی	وجوب
۴۹	ص ۱۲۹ س ۳	تحصله	مرعشی	تحصیله
۵۰	ص ۱۲۶ س ۹	أن	مرعشی	أن يكون

از این گذشته گزارش نسخه‌بدل‌های نادرست و مرجوح در ارزشیابی و اعتبارسنجی نسخه‌ها از حیث صحت و سقم کتابت هم در دیده خواننده تیزبین ارزشمند است و بجا. این شیوه از ارائه نسخه‌بدل‌ها اکنون در تصحیح‌های انتقادی بسیاری از متون (خاصه متون ادبی کهن) نهادینه شده و منهجی علمی و قابل توصیه به‌شمار می‌آید

۳-۸. ابهام در ثبت نسخه‌بدل‌ها

یکی از اشکالات مهم ویراست عرضه‌شده از سوی آقای طاهرالسلامی، شیوه ابهام‌آمیز مصحح در گزارش نسخه‌بدل‌ها و اختلاف نسخ است. خاصه در مواردی که اختلاف نسخه‌ها با یکدیگر از یک کلمه فراتر می‌رود، این ابهام هم بیشتر می‌شود. خاستگاه این ابهام آفرینی آن است که مصحح در مواردی اصلاً مشخص نکرده که کلمه یا عبارتی که در پاورقی به عنوان نسخه‌بدل آورده، دقیقاً ناظر به کدام کلمه یا عبارت در متن اثر است. به همین نحو در مواضعی که فقدان یک عبارت را در نسخه یا نسخه‌هایی گزارش

می‌کند، باز به طور مشخص نشان نداده است که کلمات مفقود در نسخه مورد اشاره دقیقاً چه هستند. برای نمونه در صفحه ۳۶ کتاب در سه خط آخرین عبارت آمده است:

لا شكَّ أن لكلِّ علم من العلوم أموراً ثلاثة لا تنفك عنه وهي: موضوع ومبأدي ومسائل.

فموضوع كل: علم ما يبحث فيه عن أعراضه الذاتية.

مصحح پس از کلمه «مسائل» علامتی نهاده و در پاورقی سوم صفحه نوشته است: «العبارة لا توجد في ب، هـ». در اینجا خواننده از این پاورقی هیچ در نمی‌یابد که عبارتی که در دو نسخه ب و هـ نیامده دقیقاً کدام است؟ تنها با رجوع به نسخه‌ها است که معلوم می‌شود آن قسمتی که در نسخه «ب» نیامده عبارت است از: «علم من العلوم أموراً ثلاثة لا تنفك عنه وهي: موضوع ومبأدي ومسائل». فموضوع كل و در نسخه «هـ» هم بخش مفقود عبارت است از: «لا شكَّ أن لكلِّ علم من العلوم أموراً ثلاثة لا تنفك عنه وهي: موضوع ومبأدي ومسائل».

نمونه دیگر از این ابهام و اشکال در ثبت نسخه بدل‌ها در صفحه ۷۰ کتاب، سطر آخر قابل مشاهده است که در عبارت «فیحدث حينئذ عنهما زاويتان» مصحح پس از ترکیب «عنهما» نشان پاورقی گذاشته و در پاورقی تنها گزارش کرده که «لا يوجد في ب، ج، د، هـ». تلقی خواننده از عبارت پانویشت مصحح آن است که در چهار نسخه یادشده ترکیب «عنهما» نیامده است، در حالی که با رجوع به نسخه‌ها روشن می‌شود در دو نسخه ب و ج عبارت «حينئذ عنهما» نیامده است و در دو دست‌نویست د و هـ به جای عبارت «حينئذ عنهما» ترکیب «له» آمده است. روشن است که هیچ‌یک از این مطالب، از آن اشارت ناقص و مجمل مصحح در پاورقی قابل فهم نیست.

یکی از اشکالات مهم ویراست عرضه‌شده از سوی آقای طاهر السلامی، شیوه ابهام‌آمیز مصحح در گزارش نسخه بدل‌ها و اختلاف نسخ است. خاصه در مواردی که اختلاف نسخه‌ها با یکدیگر از یک کلمه فراتر می‌رود، این ابهام هم بیشتر می‌شود.

این شیوه از نسخه بدل‌دادن که خواننده را گیج می‌کند و در ابهام فرومی‌برد و ای بسا به جای ارشاد، اضلال می‌نماید، هیچ براننده یک تصحیح انتقادی نیست. پسندیده بود مصحح مانند بیشتر مواردی که در پاورقی و در میان پرانتز آن قسمت از عبارت متن را که نسخه بدل ناظر به آن است و در جای آن نشسته است مشخص کرده، مواردی را که یاد کردیم و نظایر آن را نیز به دقت معین و مشخص می‌نمود.

۳-۹. لغزش در گزارش نسخه بدل‌ها

در موارد بسیاری مصحح محترم به گاه گزارش نسخه بدل‌ها دچار لغزش گردیده است، به ویژه در مواضعی که ایشان عبارتی را از چهار نسخه متعلق به تحریر دوم کتاب در متن اثر گنجانده‌اند، اختلاف میان خود این نسخ چهارگانه در ضبط کلمات اغلب مورد توجه مصحح قرار نگرفته است و فقط عبارت مندرج در یکی از آن نسخه‌ها را به نمایندگی از سه نسخه دیگر در متن افزوده‌اند. برای نمونه در سطر نخست صفحه ۶۰ کتاب، مصحح عبارت زیر را از چهار نسخه «ب»، «ج»، «د» و «هـ» به متن افزوده است: «ولو لم یکن مشترکاً لخرج الحزم بتشککنا فی کونها واجباً أو ممکناً» و در پاورقی شماره یک اشاره کرده‌اند که این عبارت را از چهار نسخه یادشده به متن اضافه کرده‌اند. به طور معمول خواننده از این پاورقی چنین استنباط می‌کند که عبارت یادشده در هر چهار نسخه به صورت یکسان وارد شده است، در حالی که اصلاً این‌گونه نیست؛ یعنی در سه نسخه «ب»، «د» و «هـ» به جای «ولو» عبارت «فلو» و به جای «کونها» ترکیب «کونه» و در دو دست‌نویست «د» و «هـ» عوض «بتشککنا» کلمه «بتشکیکنا» و در نسخه «ب» به جای «لخرج» کلمه «یخرج» آمده است و مصحح در تمام این موارد با سهل‌انگاری تمام از گزارش اختلافات شانه خالی کرده است. از این‌گونه خطاها یا آسان‌گیری‌ها در گزارش دگرسانی‌های چهار نسخه متعلق به تحریر دوم اثر در کتاب بسیار دیده می‌شود.

به جز این، اشکالات دیگری نیز در گزارش نسخه بدل‌ها به چشم می‌خورد. برای مثال در صفحه ۵۱ کتاب،

پاورقی ۶ عبارتی را به نقل از دو نسخه «ح» و «د» نقل کرده‌اند، در حالی که در نسخه «د» اصلاً وجود ندارد! یا مثل اینکه در صفحه ۹۹ پاورقی ۷ گزارش شده است که: «در نسخه «ب» کلمه «وجهاته» آمده است»، در حالی که چنین نیست و آنچه در «ب» آمده عبارت «فطلیه» است.

۱۰-۳. اغلاط حروف نگاشتی

در مواضعی از کتاب هم نادرستی‌های حروف نگاشتی به چشم می‌آید که البته از انواع اغلاط پیشگفته به حیث شمار و شمول خوشبختانه کمتر و جزئی‌تر به نظر می‌رسند. در زیر نمونه‌هایی از این اغلاط را می‌آوریم:

- (۱) ص ۶۳ س ۱۰: «لا یجوز أن یکون» ← «أن یکون».
- (۲) ص ۷۶ س ۲: «فیلمز أن یکون» ← «أن یکون».
- (۳) ص ۱۰۶ س ۱۳: «من شأته» ← «من شأنه».
- (۴) ص ۸۲ س ۲: «فکما صحَّ علی أحد الجانین الملاقاة» ← «الجانین».

۴. سخن آخر

آنچه تقدیم شد تنها قلم‌اندازی فهرست‌وار در بیان اغلاط و ناپسامانی‌های موجود در تصحیح ربع نخستین کتاب تذکرة الواصلین بود. در این بررسی از ذکر لغزش‌های مشهود در پاورقی‌ها و ارجاعات یا توضیحات مصحح خودداری کردم و تنها کوشیدم پاره‌ای از کاستی‌های متن مُصَحِّح را بازگو کنم. طبعاً سیاهه اشتباهات و آشفتگی‌های کل کتاب از این میزان بسیار فراتر خواهد رفت و فهرستی دامنه‌دارتر پدید خواهد آورد. تصحیح کتاب بدین شیوه نادرست و ناستوار در واقع بیانگر سهل‌گیری و سهل‌انگاری مصحح و متولیان نشر کتاب در امر تصحیح و طبع اثر است. خطاهای اصولی و روشی مصحح در امر تصحیح کتاب، خاصه در هم‌آمیختن دو تحریر کتاب با یکدیگر و قراردادن مسووده ناقص کتاب به عنوان اساس و بنیاد ویراست عرضه شده و همچنین حذف حواشی ارزشمند نویسنده و دیگر کاستی‌ها و اغلاط راه یافته به تصحیح اثر، همگی دست‌به‌دست هم داده و موجب سلب اعتبار از ویراست تذکرة الواصلین می‌گردند و ضرورت تصحیح مجدد این اثر را یادآور می‌شوند. بی‌گمان مصحح ارجمند در تصحیح چنین کتابی نیت خیر داشته است و می‌خواست به کلام شیعه و فرهنگ امامیه خدمتی کرده باشد، اما با اوصافی که از تصحیح ایشان بیان کردیم حاصل زحمات ایشان ویراستی نه درخور ستایش، بلکه نکوهش برانگیز است. از خداوند متعال، توفیق دقت و جدیت در گزارش رسالت فرهنگی خدمت به مکتب تشیع خواستاریم.

و مِن الله التَّسَدِیْدُ وَالْهِدَايَةُ.

در موارد بسیاری مصحح محترم به گاه گزارش نسخه‌بدل‌ها دچار لغزش گردیده است، به‌ویژه در مواضعی که ایشان عبارتی را از چهار نسخه متعلق به تحریر دوم کتاب در متن اثر گنجانده‌اند، اختلاف میان خود این نسخ چهارگانه در ضبط کلمات اغلب مورد توجه مصحح قرار نگرفته است و فقط عبارت مندرج در یکی از آن نسخه‌ها را به نمایندگی از سه نسخه دیگر در متن افزوده‌اند.